

در جهان باشد. اما آن بالا، شاید کمی بالاتر از آلودگی یک پرندگی شکاری کوچک دارد تلاش می کند که در این حجم چرک و به هم فشرده غرق نشود و البته پیداست مقاومتش چندان دیرپا نخواهد بود.

ندیم شهزاد و محمد دو برادر اهل وزیر آباد هند، ۲۰ سال گذشته زندگی شان را وقف مراقبت از این «بادبادک های سیاه» کرده اند و در خانه های کوچک خودشان که حالا تبدیل به درمناگاه پرندگان شده ۲۰۰۰ قطعه از آن ها را تیمار کرده و به طبیعت بازگردانده اند. یکی از آن دو همان ابتدای فیلم می گوید: «انسان ها اغلب فراموش می کنند که آن ها هم تکه ای گوشت هستند» و این مدخل جدیدی را در فیلم باز می کند که ما به واسطه ی آن به مصائب این دو برادر در جامعه ی ملتهب دهلی وارد می شویم.

تصوربرداری مستند شگفت انگیز است. بن برنارد، ریچوداس و سومیاناندا ساهی از ریزترین عنکبوت ها تا بزرگترین گاوهای که در کوجه ها پرسه می زند را از جلوی قاب دوربینشان گذرانده اند. این به ویژه در هم تنیدگی زندگی انسان و حیوان را در دهلی نو به خوبی بیان می کند و برای این از هیچ خلاقیت بصری فروگذار نمی کند.

در لایه های دیگر مستند مردم شناسی و فرهنگ چندگانه در دهلی مورد توجه قرار می گیرد، اصلاً اینکه چرا دامپزشکی ها به این پرندگان خدمات نمی دهند ریشه در آیین هندو دارد، چون آن ها گوشتخوارند نه گیاهخوار و هم اینکه ندیم و سعود مسلمان اند و در سنت اسلام، غذا دادن به پرندگان خوش یمن است. این دوگانگی فرهنگی و مذهبی در جایی از فیلم، یعنی پس از تصویر لایحه ی شهروندی توسط دولت، باعث یک



یک جمله کلیدی در متن درخشان مستند هست که به نظر راهگشای فهم نسبت بین این زوج عاشق و هم عشق آن دو به آتش نشان هاست، «فهمیدن نام دیگر عشق است»

آتش عشق | سارا دوسا  
FIRE OF LOVE  
عاشقانه های در دهانه ی آتشفشان

«آتش عشق»

یک مستند

زندگی نامه ای و

عاشقانه است.

زوج

آتش نشان شناس فرانسوی

کاتیا و موریس کرافت، همهی

عمر و عشقشان را صرف مطالعه

بر روی آتشفشان ها می کنند و هر کجای دنیا که غرش زمین خبر از فوران می دهد، خود را می رسانند و زود بساط علم و تصویر را علم می کنند. فیلم ها همه آرشیو قدیمی خانواده ی کرافت است، باز یگران اصلی مستند هم آن دو هستند و همانطور که متن در جایی از فیلم اذعان می کند، صدها ساعت تصویر، هزاران فریم عکس و میلیون ها سوال از کاتیا و موریس باقی مانده است.

یک جمله کلیدی در متن درخشان

مستند هست که به نظر راهگشای فهم

نسبت بین این زوج عاشق و هم عشق آن

دو به آتشفشان هاست، «فهمیدن نام دیگر

عشق است»، و این درک متقابل از هم و از

شرایطی که در آن قرار دارند در جمله به

جمله و بلان به بلان مستند جاری است، مثلاً

جایی که در مصاحبه ای از موریس درباره ی

رابطه شان می پرسد و او می گوید: «این یک

رابطه ی آتشفشانی است، ما فوران های

زیادی داشته ایم»

اگر بخواهم باز تر بزن و بیژگی و قله ی

نقاط قوت این مستند را بیان کنم، باید

بگویم: تدوین، تدوین و تدوین! مستند

بر مبنای تصاویر آرشیوی است و روایت از

دل تدوین بیرون آمده است. پیداست که

رابطه ی در دست و عمیقی بین کارگردانی و

تدوین شکل گرفته و نتیجه کات هایی است

که گویی برای هر جاگذاری آن به صدم های

ثابته و فریم های نیز توجه شده است، از همین

روست که از این کاسپر و جوسلین چاپوت،

تدوینگران مستند، سزاوار جایزه تدوین از

جشنواره سان دنس و سینما چشم بوده اند.

همچنین صدا در مستند آتش عشق

شخصیتی قابل ستایش دارد، چه صدای

نریتر که آهنگین و راز آلود متن ادبی، جذاب

و رمانتیک را می خواند و چه لایه ای که حاصل

کار صداگذار است و به حق توانسته یکی

دو پله کیفیت کار را بالاتر ببرد. بیفزایید

موسیقی جذاب اثر را که در جابجای کار و با

مهندسی خلاقانه حضور دارد و گوش نواز و

دوست داشتنی است.

سارا دوسا تهبه کننده و کارگردان

آمریکایی، معمولاً در آثارش بر روابط انسانی

متمرکز است و اغلب این کار را بر بستری از

اسطوره ها، بوم شناسی، اقتصاد با مسائل

اینچینیسی انجام می دهد. حتماً چنین

توجهی از مطالعات دانشگاهی او در حوزه

مردم شناسی اقتصاد و جغرافیای قدرت

برمی آید.

توجه ها به آخرین ساخته ی سارا دوسا



بعد از اولین اکران

در سان دنس فوران کرد، جایی که

غول های پخش آثار سینمایی مثل نتفلیکس،

آمازون، سونی، یوتیوب سال و پارامونت برای

خرید حق پخش «آتش عشق» صف کشیدند

و در نهایت نشنال جئوگرافی برنده ی این

رقابت شد و البته سودش را در گیشه برد،

چون این فیلم عنوان موفق ترین مستند سال

۲۰۲۲ را از آن خود کرد.

یکی دیگر از شیرین کاری های خانم

کارگردان اینکه همان ابتدای کار، آخرش

را گفته بود و وقتی هم که مارا در پایان

دوباره به پای کوه اوتزن ژین در سال ۱۹۹۱

برمی گرداند و پایان آتشین یک عشق

آتشین را بازی می گوید، من مخاطب دیگر آن

آدم قبلی نیستم.

همه ی آن هایی که نفس می کشند |

شوناک سن

ALL THAT BREATHES

برای آن پرندگی سیاه بادبادکی

روی پوستر فیلم با فونت درشت

نوشته: «اولین مستندی که

جایزه ی بهترین مستند را

در سان دنس و کن برده»

و باقی یک قاب رخ به

رخ از یک مرد جوان

و پرندگی کوچک

شکاری است و همین

برای اینکه مخاطب

سینمای مستند را ترغیب به دیدن

آخرین ساخته ی شوناک سن کند

کافی است.

وضع زیست محیطی در دهلی نو

واقعا عجیب و غریب است، تقریباً مثل

بیشتر چیزهای دیگر در هند. قاب هایی که

مستند از حجم زباله ها و پرسه زدن حیوانات

بین آن ها به تصویر کشیده واقعا مضطرب

کننده اند. حجم سیاه دود و مه باعث شده این

شهر، یکی از آلوده ترین مکان ها برای زندگی

